



مسیر جاری : صفحه اصلی / مقالات / دین پژوهی / معصوم شناسی / سایر مقالات / آیا اهل بیت مجبورند که گناه نکنند؟ (2)

آیا اهل بیت مجبورند که گناه نکنند؟ (2)  
پنجشنبه، 10 اردیبهشت 1394  
نسبت علم الهی و اراده ی اهل بیت (ع) در عصمت آنها  
آیا اهل بیت مجبورند که گناه نکنند؟ (2)

نویسنده: سیدکمال حیدری



## نسبت علم الهی و اراده ی اهل بیت (ع) در عصمت آنها

مقدمه ی سوم: اراده ی الهی، تابع اراده ی انسان

حکمت خداوندی چنین اقتضا کرده است که انسان در اعمال خود دارای آزادی کامل و اختیار تام باشد تا تکلیف نمودن بر او و پاداش و یا کیفر دادن او معقول و منطقی گردد. افزون بر آن، اقتضای حکمت الهی این است که اراده ی خداوند، تابع اراده ی انسان باشد و خدای تعالی با در اختیار گذاردن ابزار و لوازمی که انسان برای انجام خواسته ی خویش بدان نیاز دارد، او را در تحقق اراده اش مدد و یاری رساند. پس وقتی انسان بخواهد کاری را انجام دهد، اراده ی الهی با در اختیار گذاردن امکانات لازم، او را یاری خواهد داد. اگر انسان بخواهد در مسیر خیر و نیکی گام بردارد، اراده ی الهی با او همراه و متحد خواهد بود و اگر هم بخواهد در راه شر و بدی گام نهد و از شهوات و غرایز پست پیروی کند، باز هم اراده ی الهی با او مخالفتی نخواهد داشت.

بدین ترتیب معنای عبارت پیشین مبنی بر اینکه اراده ی خداوند تابع اراده ی انسان است مشخص می شود، ضمن آنکه مفهوم این تبعیت، همان اقتضای حکمت الهی است که می خواهد انسان را نیرویی دهد که بتواند خواسته و اراده ی خویش، اعم از خیر و شر، را به انجام برساند که اگر چنین نبود، انسان نمی توانست اراده ی خود را به اجرا گذارد و دچار جبر می گردید که نادرستی و معقول نبودن این فرضیه را پیش تر ثابت کردیم. از سوی دیگر، اختیار مطلق نیز به معنای خروج از حوزه ی مالکیت و ملک خداوند است.

خداوند متعال می فرماید:

«فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى \* وَ صدَّقَ بِالْحُسْنَى \* فَسَنِّي سِرَّهُ لِيُسْرَى \* وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَعْتَى \* وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَى \* فَسَنِّي سِرَّهُ لِيُعْسِرَى» (1).

با اندکی تأمل در این آیات مبارک می توان معنای مطالب پیش گفته را دریافت. بدین ترتیب که فراهم کردن مقدمه ی گشادگی یا تنگنا، به دست خداوند است؛ اما نتیجه ی پذیرش و تصدیق خیر یا سر باز زدن و تکذیب آن از سوی انسان می باشد که هر دو تحت اختیار و اراده ی انسان قرار دارد.

خداي متعال در جاي ديگر مي فرمايد:

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَذْحُورًا\* وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا\* كَلَّا نُمِدُّ هُوَآءًا وَ هُوَآءًا مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» (2).

این آیات شریف نیز آشکارا نشان می دهد که اراده ی نخست، از آن انسان است و سپس اراده و مشیت الهی نیز تابع آن خواهد بود. پس هر کس دنیای گذران را بخواهد، خداوند نیز بر او چنین خواهد و هر که خواهان آخرت باشد و برای آن تلاش کند نیز خداوند خواسته ی او را اجابت فرماید و هر دو آنها را یاری و مدد خداوند بهره خواهند داشت، چرا که «وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا»؛ یعنی عطا و بخشش خداوند از هیچ کس دریغ نمی شود.

فخر رازی در ذیل این آیه ی مبارک آورده است:

... زیرا عطا و بخشش ما از هیچ کس، چه مؤمن و چه کافر، دریغ نخواهد شد؛ زیرا در دنیا، همگی آفریده ی خداوند هستند و لازم است که بهانه ها و دستاویزها از میان برود و هر گروه، به اندازه ای که مصلحت اوست از متاع دنیا بهره مند گردد و به همین دلیل خداوند بیان فرموده که عطا و دُهِش او دریغ ناشدنی است... (3)

همچنین علامه طباطبایی (رحمه الله) در شرح این آیه ی شریف گوید:

خداوند متعال، انسان را در انجام کارهایش یاری می رساند. چه او در پی به دست آوردن دنیا باشد و چه آخرت. هر آنچه که انسان برای انجام عملی بدان نیاز دارد، اعم از علم، اراده، نیروی بدنی و اجرایی و عوامل خارجی که انجام عمل بدان وابسته است و شرایط و اسبابی که برای تحقق آن مورد نیاز است، همگی از امور تکوینی هستند که انسان در پدید آوردن آن دخالتی نداشته است و اگر برخی از آنها نباشند، انجام عملی امکان پذیر نخواهد بود.

خداوند سبحان به فضل خویش همه ی آن عوامل را مهیا می کند و انسان را به عطای خویش یاری می رساند و اگر عطای پروردگار قطع گردد، انسان بر کاری توانا نخواهد بود. (4)

بسیاری از روایات وارده از معصومین (علیهم السلام) نیز بدین معنا اشاره دارد:

1. بخاری در «صحیح» (و دیگران در کتب خود) آورده اند:

پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) در تشیع جنازه ای حاضر بود. پس چیزی (تکه چوبی) برداشت، آن را بر زمین زد و فرمود:

هیچ يك از شما نیست، مگر آنکه جایگاه او در دوزخ و یا در بهشت، نوشته (و معین) شده است.

عرض کردند، ای رسول خدا! آیا بهتر نیست بر آنچه که خداوند بر ما مقدر کرده، اکتفا نموده و انجام عمل [صالح] را رها کنیم؟

فرمود:

[نه]، عمل صالح انجام دهید که هر کس برای آنچه که برایش آفریده شده، یاری داده می شود. هر آن کس که اهل سعادت باشد، انجام عمل اهل سعادت برایش میسر می گردد و هر که اهل شقاوت باشد، عمل شقاوتمندان برای او ممکن می شود. سپس حضرت این آیه را فراتر فرمود: «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى\* وَ صَدَقَ بِالْخُسْرَى» (5).

2. حدیثی صحیح از حضرت امام رضا (علیه السلام) که فرمود:

خداوند می فرماید: «ای فرزند آدم! تو به اراده و مشیت من برای خودت می خواهی آنچه را که می خواهی و به قوت و نیروی من واجبات مرا انجام دادی و به نعمت من تو معصیت و نافرمانی یافتی...» (6).

3. صالح نیکي از حضرت جعفر صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود:

خداوند متعال کسی را مجبور نفرموده و بر کسی اراده کفر حتمی مقدر نکرده، اما هرگاه کسی کفر ورزد، در اراده ی خداوند چنین بوده که او کافر شود، بدین ترتیب آنها تحت اراده ی خداوند قرار دارند و خدا چنین مقدر فرموده که هیچ خیری آنان را نرسد.

[راوی گوید: ] عرض کردم: خداوند خواسته که آنان کفر ورزند؟

حضرت فرمود:

منظورم این نبود. اما می گویم: خداوند دانست که آنها کفر خواهند ورزید و با علم خود، به کفر آنان پی برد؛ اما اراده ی او اراده ی حتمی نبود، بلکه اراده ی اختیاری بود. (7)

4. حضرت امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به پرسش مردی از اهالی بصره درباره ی توانایی انسان می فرماید:

خداوند متعال خلاق را آفرید و ابزار و توانایی انجام کار را در وجود آنان قرار داد؛ اما اختیار مطلق به آنان نداد. پس بندگان اگر کاری را انجام دهند، در لحظه ی انجام آن بر آن کار توانا هستند. اما اگر آن کار را انجام ندهند، در عرصه ی مالکیت خداوند بر انجام کاری که آن را انجام نداده اند، توانا نبوده اند؛ زیرا خداوند عزوجلّ منزّه است از اینکه کسی در ملک با او به مخالفت برخیزد... (8).

5. از حضرت امام صادق (علیه السلام) روایت شده که در پاسخ به پرسش های شخص زندیق که پرسیده بود: «چگونه است حال فرزندان آدم که برخی از آنها شرافتمند و گروهی فرومایه اند؟»

فرمود: «اطاعت کنندگان (خداوند)، شرافتمندند و گنهکاران، فرومایه».

پرسید: آیا میان آنها، برتر و فروتر وجود ندارد؟

فرمود: «تفاوت مراتب آنها به تقوا و پرهیزکاری است. »

عرض کرد: پس شما عقیده دارید که همه ی فرزندان آدم در اصل با هم برابرند و تنها تقوا موجب تفاوت مراتب آنهاست؟

حضرت فرمود:

بله، اصل آفرینش انسان از خاک است. پدر انسان ها، آدم و مادرشان حواست. خدای یگانه آنان را آفریده و همه بندگان اویند. خداوند عزوجل از میان فرزندان آدم، گروهی را برگزید و آنان را پاک متولد کرد. جسم آنان را مطهر گرداند. در پشت مردان و رحم زنان آنان را حفظ فرمود و از میان آنان پیامبران و رسولان را برانگیخت و آنان پاک ترین نسل آدم هستند. خداوند این کار را در حق آنان انجام داد؛ اما نه به دلیل آنکه آنها حقی بر عهده ی خداوند داشتند. اما خداوند هنگامی که آنان را آفرید، می دانست که اطاعت و عبادت او خواهند کرد و کسی که شریک او نخواهند گرداند. پس آنها با عبادت و اطاعت خداوند به کرامت رسیدند و به جایگاه بلند و رفیع دست یافتند... (9)

خلاصه آنکه خداوند متعال، به اقتضای حکمت خویش و مطابق با آنچه که بر خویش مقدر فرموده، فیض خود را بر همگان نازل می کند و نیاز هرکس را به اندازه ی ظرفیت و استعدادش پاسخ می گوید و با فراهم کردن امکانات لازم برای پیمودن مسیر زندگی، همه انسان ها را مدد و یاری می رساند. هر کس بخواهد راه ایمان و هدایت را ببیماید، همه ی ابزار و مقدمات لازم برای پیمودن این راه را برایش مهیا می کند: «وَ آتَيْنَاهُمُ بَرُوجَ مِنْهُ» (10) از طرفی، هرکس بخواهد در مسیر گمراهی و ضلالت گام نهد، برای او نیز شرایط لازم را فراهم می نماید: «وَ مَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِصَ لَهُ شَيْطَانًا فَوْوَهُ لَهُ قَرِينٌ» (11) و در این میان، مؤمن و کافر تفاوتی ندارند، چنان که خدای متعال می فرماید: «تُمَّ السَّيِّلَ يَسَّرَهُ» (12).

### مقدمه ی چهارم: فراگیر بودن علم الهی

از جمله مسائلی که در قرآن کریم و سنت شریف نبوی و برهان های عقلی، از بدیهیات عقاید اسلامی محسوب می شود آن است که خداوند متعال از جزئیات، کلیات و ماهیت همه چیز آگاهی کامل دارد. هیچ چیز از علم و او پنهان نمی ماند و در تمامی آسمان ها و زمین، چیزی از او پوشیده نیست. علم او مطلق و بی انتهاست و خداوند بر همه چیز، پیش از آفرینش او و پس از خلقت احاطه ی کامل دارد.

خداوند متعال می فرماید:

«وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (13).

و در جای دیگر می فرماید:

«اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْتَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامَ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ\* عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ\* سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ» (14).

و نیز می فرماید:

«عَالِمُ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (15).

و بسیاری از آیات دیگر قرآن کریم بر این معنا تأکید دارد.

افزون بر این، در روایات شریف پیامبر (صلي الله عليه و آله و سلم) و اهل بیت (عليهم السلام) نیز این مفهوم قرآنی به چشم می خورد و از آنجا که برای بیان فراگیر بودن علم الهی به بیان روایات وارده نیازی نیست، تنها به برخی از روایاتی که علم خداوند را ازلی و مقدم بر آفرینش همه ی موجودات می شمارد، اشاره می کنیم:

1. ایوب بن نوح نامه ای به حضرت امام رضا (علیه السلام) نوشت و از ایشان درباره ی علم خداوند چنین پرسید: آیا خداوند عزوجل پیش از آنکه اشیاء را خلق کند، همه چیز را درباره ی آنها می دانست یا اینکه پس از آفرینش و تکوین آنها و به هنگام آفرینش، نسبت به آنها علم پیدا کرد؟  
حضرت به خط مبارک خویش مرقوم فرمود:

خداوند پیش از آفرینش اشیاء نسبت به آنها علم داشت، همان گونه که پس از آفرینش نسبت به آنها علم داشت. (16)

2. محمد بن مسلم گوید: از حضرت امام باقر (علیه السلام) شنیدم که فرمود:

در ازل، تنها خداوند بود و هیچ چیز جز او نبود و خداوند نسبت به همه چیز علم داشت. پس علم خدا نسبت به اشیاء پیش از آفرینش، همانند علم او پس از آفرینش بود. (17)

3. منصور بن حازم گوید: از حضرت امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: آیا ممکن است اکنون چیزی باشد که علم خداوند بدان احاطه نداشته است؟  
فرمود:

نه، بلکه همه چیز، حتی پیش از آفرینش آسمان ها و زمین در علم خداوند وجود داشته است. (18)

4. عبدالله بن مسکان گوید: از حضرت امام صادق (علیه السلام) پرسیدم:

آیا خداوند تبارک و تعالی پیش از آنکه «مکان» را خلق کند، نسبت به آن علم داشت یا اینکه پس از آفرینش آن، نسبت به آن علم پیدا کرد؟  
حضرت فرمود:

خداوند بلندمرتبه تر از آن است. او پیش از آنکه مکان (جایگاه ماده) را بیافریند، بر آن علم داشت، همچنان که پس از آفرینش بدان علم دارد و علم خداوند نسبت به همه ی موجودات دیگر نیز چنین است. (19)

5. حسین بن بُشَّار در حدیثی آورده است: از حضرت امام رضا (علیه السلام) پرسیدم: آیا خداوند نسبت به چیزی که به وجود نیامده علم دارد و می داند که اگر وجود داشت، چگونه می بود یا اینکه تنها نسبت به موجودی که وجود یافته علم دارد؟

حضرت فرمود:

خداوند متعال پیش از به وجود آمدن اشیاء نسبت به آنها علم و آگاهی دارد، چنان که می فرماید: «إِنَّمَا كُنَّا نَسْتَسِيحُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (20) و درباره ی اهل دوزخ می فرماید: «وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» (21). پس خدای عزوجل می داند که اگر آنان را [ به دنیا] بازگرداند، باز هم کارهایی را که از آن نهی شده اند انجام می دهند و هنگامی که ملائکه عرض کردند: «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَتَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ» (22) خداوند فرمود: «قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (23). پس علم خداوند نسبت به اشیاء ازلی است و پیش از آفرینش، بر آنها علم دارد. بس منزله و متعالی است پروردگار ما که اشیاء را آفرید، در حالی که پیش از آفرینش بر آنها علم داشت و خود این گونه خواسته بود و پروردگار ما همواره دانا و شنوا و بیناست. (24)

6. فتح بن یزید جرجانی گوید: به حضرت امام رضا (علیه السلام) عرض کردم: فدایت شوم، پرسش دیگری در ذهن دارم. فرمود: «بپرس، خدای پدرت را رحمت کند.» عرض کردم: آیا خدای ازلی می داند موجودی که به وجود نیامده، اگر به وجود می آمد چگونه می بود؟ حضرت فرمود:

راستی که پرسش های دشوار (و عمیقی) می پرسی. آیا نشنیده ای که خداوند می فرماید: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَقَسَدَتَا» (25) و «وَلَعَلَّا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ» (26) و از زبان اهل دوزخ چنین می فرماید: «أَخْرَجْنَا تَعْمَلُ صَالِحاً غَيْرَ الَّذِي كُنَّا تَعْمَلُ» (27) و نیز می فرماید: «وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ» (28). پس او می داند آنچه که هنوز رخ نداده، اگر رخ دهد چگونه خواهد بود. (29)

بن روایات و دیگر احادیث وارده بر این نکته تأکید دارد که علم خداوند نسبت به همه چیز، ازلی بوده و پیش از آفرینش آن نیز نسبت به آنها علم دارد و حتی خداوند متعال نسبت به چیزهایی که وجودشان غیرممکن است (ممتنع الوجود) نیز علم دارد و می داند که اگر وجود داشتند، چگونه می بودند. برای مثال در مورد «شریک» خداوند که عقلاً وجودش غیرممکن است نیز آگاهی دارد.

### نتیجه گیری

اگر چنین است که همه چیز، از جمله اعمال ارادی انسان، برای واقع شدن و به وجود آمدن، اراده ی تکوینی خداوند نیاز دارند و بدون آن هرگز روی نمی دهند و اراده ی الهی نیز تابع اراده ی انسان است؛ بنابراین اگر بنده ای بخواهد عملی انجام دهد، بی شک اراده ی تکوینی خداوند به انجام آن تعلق گرفته است و می توان گفت: خداوند خواسته است که چنین کاری انجام گیرد. پس وقتی انسان می خواهد راه برود، بخورد، بیاشامد و نماز بگذارد، مستلزم آن است که اراده ی الهی نیز بر وقوع آن امر تعلق گیرد که در غیر این صورت، وقوع تمامی این کارها غیرممکن است. بنابراین انجام هر عملی، بیانگر آن است که مشیت و اراده ی تکوینی خداوند حتماً بدان تعلق گرفته است.

بدین ترتیب اگر خداوند بداند که بنده ای جز اطاعت و عبادت او و پاکي و دوري از پليدي، خواسته ای ندارد و با توجه به اینکه علم الهی ازلی بوده و پیش از آفرینش هستی وجود داشته است، بی شک خداوند متعال چنان که وعده فرموده و بر خویشتن لازم گردانده، امکان آن را برای او فراهم آورده و اسباب و علل لازم را مهیا می نماید. پس اراده ی تکوینی الهی چنین تعلق گرفته که بنده، توانایی انجام خواسته ی خود را پیدا کند؛ اما این به معنای مجبور بودن انسان در انجام اراده ی خویش نیست، بلکه او همچنان دارای اختیار است و در واقع اراده ی الهی، بر انجام خواسته ی او تعلق گرفته است.

در مقابل، اگر خداوند بداند که بنده ای، جز طغیان و سرکشی، کفر و عصیان و نافرمانی خداوند نمی خواهد، در اینجا نیز او را از انجام خواسته ی خود باز نمی دارد، بلکه آنچه را برای تحقق خواست خویش نیاز دارد، در اختیار او قرار خواهد داد. همچنین اراده ی تکوینی خداوند نیز بر انجام آن کارها تعلق گرفته است، پس می توان گفت: خداوند خواسته است که این گونه باشد؛ اما باز هم این گفته به معنای مجبور بودن انسان بر انجام معصیت نیست، بلکه او به اختیار و اراده ی خود، خواسته که نافرمانی خدا را به جای آورد و اراده ی خداوند نیز بر تحقیق، خواست انسان را تعلق گرفته است.

بدین ترتیب آشکار می شود که اراده ی تکوینی خداوند متعال که تخلف ناپذیر است، با اختیار انسان منافاتی ندارد و با وجودی که همه ی اعمال انسان، آفریده و مخلوق خداوند هستند؛ اما مطابق با خواست و اراده ی انسان آفریده شده اند و محتوای این آیه ی شریف که پیش تر ذکر گردید:

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصَلَاهَا مَذْمُومًا مَذْحُورًا\* وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا\* كَلَّا نُمِدُّ هُوَلاءِ وَ هُوَلاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» (30).

حال، ضمن بازگشت به آیه ی شریف: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيرًا» می بینیم که در این آیه ی شریف نیز با وجود آنکه منظور از اراده ی الهی، همان اراده ی تکوینی و تخلف ناپذیر است؛ اما کاملاً با اختیار انسان هماهنگ بوده و با آن منافاتی ندارد؛ زیرا به این حقیقت اشاره می کند که خداوند متعال با علم ازلی خویش از ابتدا می دانسته که این بزرگواران، جز پاکي و دوري از پليدي، چیزی اراده نخواهند کرد و بدین ترتیب خداوند سبحان نیز مطابق با وعده ی خویش و براساس آنچه بر خود لازم گردانده، اراده ی آنان را پاسخ داده و آنان را تطهیر نموده است.

براساس این نظریه، معنای آیه چنین خواهد بود که:

خداوند متعال می دانسته که این گروه برگزیده، بر اثر توانایی ذاتی و اکتسابی خویش که نتیجه ی پرورش یافتن براساس اصول و مبانی اسلام است و آنان را در رفتار و کردار، به «تجسم اسلام» تبدیل کرده، همواره اراده ای منطبق با احکام و شرایع دین خواهند داشت. از طرفی، از آنجا که آنان به دلیل توانایی های خویش، همواره قادر خواهند بود اراده ی خود را به اجرا گذارند و مطابق با احکامی که بر آنان مقرر گردیده، عمل نمایند، خداوند متعال از سوی ذات مقدس خویش به درستی چنین اعلام فرموده که به اراده ی تکوینی خود، جز پاک گرداندن و دور کردن آنها از پليدي، اراده ای نخواهد داشت، زیرا تا زمانی که آنان، جز پاک بودن و دور ماندن از پليدي چیزی نخواهند، خداوند نیز اراده ای جز انجام این قبیل کارها نخواهد فرمود. (31)

بدین ترتیب مشخص می شود که چگونه خداوند متعال، گروهی از بندگانش را برگزیده و انتخاب کرده تا بار سنگین رسالت او را بر دوش کشند و چرا با آنان قابلیت ها و توانایی های ویژه ای، همچون علم عصمت آفرین، بخشیده است. این همه به اراده و اختیار خود آنان باز می گردد که خداوند متعال نیز به اقتضای حکمت خویش هر کس را به میزان استعداد و ظرفیت خود بهره مند می گرداند.

پس خداوند سبحان از آنجا که پیش از آفرینش و از ازل می دانسته که این بزرگواران، همواره بر مسیر اطاعت و بندگی محض قرار خواهند داشت و تنها به فرمان الهی گردن خواهند نهاد. آنان را نیرویی داده است که اراده ی خویش را تنها در راه عبادت و بندگی به کار گیرند که اگر جز این بود، با وعده الهی مخالفت داشت. از سوی دیگر، اگر خداوند این نیرو را به کسانی که به نتایج آن پایبند نیستند، عطا می فرمود، کاری عبث و بیهوده بود که ذات مقدس او بسی فراتر از این است.

قرآن کریم نیز در مواردی به این معنا اشاره داشته است. چنان که در یکی از آیات می فرماید:

«إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ\* وَ لَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَ لَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَ هُمْ مُّعْرِضُونَ» (32).

و بدیهی است که شنوا گرداندن کسی که شنوایی او را سودی ندارد و موجب روی گرداندن او می شود، کاری عبث و بیهوده خواهد بود و آن ذات پاک از اینها منزّه و مبرا است.

و از میان روایات می توان به این نمونه ها اشاره کرد:

حضرت امام باقر (علیه السلام) می فرماید:

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خداوند عزوجل چنین فرموده است: «دینداری برخی از بندگان مؤمن من، جز با بی نیازی و گشادگی روزی و سلامتی تن کامل نمی گردد. پس من نیز آنان را با ثروت و گشادگی روزی و سلامتی می آزمایشم و امر دین آنان بدین ترتیب سامان می یابد. برخی از بندگان مؤمن هستند که دینداری آنان جز با فقر و تهی

دستي و رنجوري سامان نمي يابد، پس من نيز آنان را با فقر و تنگدستي و بيماري مي آزمايم تا دين آنان بدین ترتيب کامل شود و من بهتر مي دانم که دين بندگان مؤمنم چگونه صلاح و کمال مي يابد.

گروهی از بندگان من هستند که به عبادت بسيار مي کوشند. از بستر گرم و نرم برمي خيزند، شب زنده داري مي کنند و خود را از فرط عبادت به زحمت مي افکند؛ اما من يك دو شب از سر لطف، خواب را بر او چيره مي گردانم و او تا به صبح بيدار نمي شود و صبحدم برمي خيزد، در حالي که خويشتن را ملامت و سرزنش مي کند. حال آنکه اگر او را رها کنم تا عبادتي را که مي خواهد، انجام دهد، چه بسا عجب و خودبيني بر او چيره شود و اعمال او را تباه گرداند و بر اثر عجب و خودپسندي به هلاکت درافتد، چنان که خويشتن را از ساير بندگان برتر بيند و گمان کند که حق عبادت و بندگي را به جا آورده است. بدین ترتيب او از من دور مي شود؛ اما مي پندارد که به من نزديک شده است.

پس بندگان که براي رسيدن به پاداش من عملي انجام مي دهند، نبايد به آن عمل دلخوش کنند، چرا که هر اندازه هم که خود را به زحمت اندازند و عمر را در عبادت من بگذرانند، هرگز نمي توانند حق عبادت مرا به جا آورند و اگر به واسطه عبادت بخواهند در نزد من کرامتي دست يابند يا به نعمت هاي بهشتي و جاگناه بلند در جوار من برسند، هرگز نتوانند؛ اما بايد به رحمت من اعتماد کنند، به فضل من خرسند شوند و با گمان نيکو بردن به من، اطمینان يابند، چرا که رحمت من آنان را در بر خواهد گرفت، کرم من آنها را به بهشت رضوانم خواهد رساند و مغفرت من موجب عفو و آمرزش آنها خواهد شد و منم خداوند رحمان و رحيم که خود را بدین نام ناميده ام. « (33)

همچنين، انس بن مالک از حضرت رسول اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) روايت کرده است که جبرئيل (عليه السلام) فرمود: خدای تبارک و تعالی مي فرمايد:

... و چه بسا عده اي از بندگان مؤمن من مي خواهند عبادتي (مستحب) انجام دهند؛ اما من آنها را باز مي دارم تا مبدا عجب و خودبيني بر او چيره گردد و او را فاسد گرداند. و برخي از بندگان مؤمن من هستند که ايمانشان جز با فقر و تهی دستي کامل نمي گردد و چه بسا اگر آنان را ثروتمند و بي نیاز گردانم، به فساد و تباهي درافتند. گروهی از بندگان مؤمن من هستند که جز با بي نيازي و توانگري، ايمانشان کامل نمي گردد و اگر آنها را نيازمنند گردانم، تباه شوند.

و گروهی از بندگان مؤمن من، جز با بيماري و رنجوري ايمانشان کامل نمي گردد و اگر جسمشان را سالم گردانم، چه بسا به تباهي و هلاکت افتند.

و گروهی از بندگان مؤمن من هستند که جز با سلامتي و صحت ايمانشان کامل نمي گردد و اگر آنها را بيمار گردانم، تباه گردند.

و من با آگاهی از ضمير دل بندگانم، امور آنها را تدبير مي کنم که من (بر همه چيز) دانا و آگاهم. (34)

### پي نوشت ها:

1. اما هر آن کس که بخشش کند و پرهيزکار باشد و خير و نيکي را تصديق نمايد پس کار او سهل و آسان خواهيم کرد، اما هرکس که بخل ورزد، و بي نيازي جويد و خير و نيکي را تکذيب نمايد پس او را به دشواري در خواهيم افکند. (ليل: 5-10).
2. هر کس (زندگي) دنيا را بخواهد (و آخرت را از ياد ببرد)، ما نيز دنيا را براي آن کس که خواهيم فراهم آوريم، اما (در آخرت) براي او دوزخ را قرار خواهيم داد که با نکوهش و حسرت بدان در افتد اما هرکس که خواهان آخرت باشد و براي آن تلاش کند و ايمان داشته باشد، تلاش او قابل تقدير خواهد بود ما هر دو گروه را به عطاي خويش بهره مند مي گردانيم که بخشش و عطاي پروردگارت از کسي قابل دريغ نيست. (اسراء: 18-20).
3. تفسير فخر رازي، ج20، ص 181.
4. الميزان، ج13، ص 66.
5. صحيح بخاري، ابوعبدالله محمد بن اسماعيل، استانبول: چاپ افست، بيروت: انتشارات دارالفکر، ج6، ص86. صحيح مسلم، ابوالحسين بن الحجاج النيشابوري، بيروت، ج8، ص47. سنن ابن ماجه، ابوعبدالله محمد بن يزيد قزويني، بيروت: انتشارات دارالفکر، ج1، ص30. سنن ترمذي، ابوعيسي محمد بن عيسي بن سورة الترمذي، بيروت: انتشارات دارالفکر، ج3، ص302. مسند احمد بن محمد بن حنبل، بيروت: انتشارات دار صادر، ج1، ص5، 82 و 157. با اندکي تفاوت در ميان روايات مختلف.
6. کافي، ج1، ص 152.
7. همان، ص 162.
8. همان، ص 161.
9. بحارالانوار، ج10، ص 170.
10. ... و او را به روح خود تأييد فرمود. (مجادله: 22).
11. هرکه از ياد خدای رحمان روگردان شود، شيطاني را هم نشين او مي گردانيم که همتا و همراه او باشد. (زخرف: 36).
12. سپس راه (خير و شر) را براي او مهيا کرد. (عبس: 20).

13. و در هیچ حالتی نخواهی بود و هیچ آیه ای از قرآن را تلاوت نخواهی کرد و هیچ کاری را انجام نمی دهی، مگر آنکه ما بر شما گواه (و ناظر) هستیم، آنگاه که بدان می پردازید و هیچ ذره ای، یا کوچک تر و یا بزرگ تر از آن، در زمین و آسمان، از پروردگارت پنهان نمی ماند، جز آنکه همه در کتاب مبین (علم خدا محفوظ) است. (یونس: 61).
14. خدای می داند که هر ماده ای، چه باردار شده است و آنچه را در رحم ها پنهان است و آنچه را می افزاید، می داند و هر چیز را نزد او، اندازه ای است اوست داننده ی نهان و آشکار و بزرگ و الاتیبار خواه شما گفته ای را پنهان کنی یا آن را آشکار سازی و خواه کسی از شما در (تاریکی) شب نهان گردد یا در (روشنایی) روز برون آید. (رعد: 8-10).
15. اوست داننده ی نهان، هیچ ذره ای در آسمان و زمین و نه کوچک تر و نه بزرگ تر از آن، از او پنهان نمی ماند، (و همه) در کتاب مبین گرد آمده است. (سبأ: 3).
16. کافی، ج1، ص107.
17. کافی، ج1، ص107. التوحید، ص145. بحارالانوار، ج4، ص68.
18. التوحید، ص135.
19. همان، ص137.
20. ما پیش تر می نگاشتیم آنچه را انجام می دادید. (جاثیه: 29).
21. اگر (گنهکاران به دنیا) بازگردانده شوند، بار دیگر آنچه را که از آن نهی شده اند، انجام می دهند و آنها دروغگویانند. (انعام: 28).
22. آیا بر روی زمین، موجودی را (جانشین خود) می گردانی که فساد و خونریزی کند، حال آنکه ما (فرشتگان) تسبیح و تقدیس تو می گوئیم؟ (بقره: 30).
23. من می دانم آنچه را که شما نمی دانید. (بقره: 30).
24. التوحید، ص136.
25. اگر در آسمان و زمین، خدایانی جز الله بودند، همانا (نظام آسمان و زمین) تباه می گردید. (انبیاء، 22)
26. برخی از آن (خدایان فرضی) بر گروه دیگر برتری می یافت. (مؤمنون: 91).
27. گویند پروردگارا! ما را از دوزخ (به دنیا) ببر تا اعمال صالح و شایسته ای برخلاف آنچه که قبلاً می کردیم، انجام دهیم. (فاطر: 37).
28. اگر به دنیا بازگردانده شوند، باز هم همان کارهایی را که از آن منع شده بودند، انجام خواهند داد. (انعام: 28).
29. التوحید، ص65.
30. هرکس (زندگی) دنیا را بخواهد (و آخرت را از یاد ببرد)، ما نیز دنیا را برای آن کس که خواهیم فراهم آوریم، اما (در آخرت) برای او دوزخ را قرار خواهیم داد که با نکوهش و حسرت بدان درافتد اما هر کس که خواهان آخرت باشد و برای آن تلاش کند و ایمان داشته باشد، تلاش او قابل تقدیر خواهد بود. ما هر دو گروه را به دهش و عطای خویش بهره مند می گردانیم که بخشش و عطای پروردگارت از کسی قابل دریغ نیست. (اسراء: 18-20).
31. اصول و مبانی فقه تطبیقی، ص151.
32. در پیشگاه خداوند، بدترین جنبنندگان، آن کران و گنگانی هستند که نمی اندیشند. اگر خدای در آنان خیر و نیکی می دید، آنان را (بر حقایق) شنوا می کرد؛ اما اگر آن را شنوا گرداند. روی بگرداند و اعراض کنند. (انفال: 22 و 23).
33. الکافی، ج2، ص60.
34. علل الشرایع، ج1، ص12.

منبع مقاله :

حیدری، سیدکمال، (1392)، عصمت در قرآن، تهران، نشر سخن، چاپ اول

<http://rasekhoon.net/article/show/1057281/2> / (آیا-اهل-بیت-مجبورند-که-گناه-نکنند-2)

تمامی حقوق این پایگاه متعلق به موسسه فرهنگی و هنری نور راسخون وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه می باشد.